

بازتاب خسرو و شیرین نظامی در ازهر و مزهر نزاری قهستانی

فرشته گل سرخی، عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان (پردیس امام سجاد(ع))، بیرجند،

دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

golsorkhif@yahoo.com

چکیده

موضوع مورد بررسی در این جستار، میزان تاثیر پذیری نزاری قهستانی در منظومه ازهر و مزهر از خسرو و شیرین نظامی است. از آن جا که این منظومه برای اولین بار در سال ۱۳۹۴ چاپ شده است و هنوز کاری در این زمینه انجام نگرفته است، در راستای احیای فرهنگ خراسان جنوبی بر آن شدم به بررسی این منظومه عاشقانه و مقایسه آن با خسرو و شیرین نظامی پردازم. در کنار این مقایسه، طبق تحقیقاتی که انجام گرفت بین این منظومه و لیلی و مجنون نظامی نیز اشتراکاتی وجود داشت که به آن ها نیز اشاره نموده ام. ضمناً از آن جا که نزاری در منظومه ازهر و مزهر، خویش را پیرو خسرو نامه عطار می داند از این بُعد نیز به بررسی این اثر پرداخته شده است.

بر اساس پژوهش حاضر عناوین داستان خسرو و شیرین، پهلوی و اصل داستان مربوط به ایران قبل از اسلام یعنی ساسانیان است در حالی که عناوین داستان ازهر و مزهر عربی و اصل داستان مربوط به یکی از قبایل عرب است که از این حیث با لیلی و مجنون نظامی شباهت دارد. وزن، قالب و ساختار دو منظومه ازهر و مزهر با خسرو و شیرین نظامی یکسان است، شخصیت ها، ماجراها و حوادث چندان شباهتی ندارند. در واقع ازهر و مزهر یک منظومه حماسی - غنایی است که بیشتر حوادث و ماجراها در میدان های جنگ و مبارزه اتفاق می افتد و در آن، فضاهای لطیف عاشقانه و احساسی، کمتر به چشم می خورد در حالی که خسرو و شیرین منظومه ای غنایی - تاریخی است و سرشار از احساس و عاطفه. به طور کلی می توان گفت هرچند نزاری همچون سایر شاعران منظومه پرداز عاشقانه تحت تاثیر نظامی بوده است اما مثنوی ازهر و مزهر را نمی توان تقلید صرف از یک اثر خاص دانست.

واژگان کلیدی: ازهر و مزهر، نزاری، خسرو و شیرین، نظامی، مقایسه.

۱. مقدمه

سعدالدین بن شمس الدین بن میرمحمد نزاری قهستانی از شاعران فارسی زبان نیمه دوم قرن هفتم هجری شمسی است. وی در سال ۶۴۵ هجری قمری در روستای فوداج از توابع بیرجند چشم به جهان گشود. دوران کودکی و نوجوانی را تحت تربیت پدر بود، دیدگاه او نسبت به جهان و شکل گیری اندیشه هایش تحت تاثیر آموزه هایش از مکتب پدر است به همین مناسبت در اشعارش چندین جا رسم ادب را به جا می آورد و از پدر به نیکی یاد می کند.

عمرها باد خدایا به سلامت پدم

حق از این بیش که بر پس روی اهل بیت

که بسی در حق من کرد کرامت پدم

معتقد کسرد به اثبات امامت پدم

(نزاری قهستانی، ۱۳۷۱: ۵۹).

وی به ادبیات و فلسفه علاقه فراوان داشت و این علاقه، در آثارش با ذکر نام بزرگانی چون فردوسی طوسی، نظامی گنجوی، خیام نیشابوری، سوزنی سمرقندی، سنایی غزنوی، عطار نیشابوری تجلی کرده است. در تذکره ها از شعر نزاری به نیکویی و لطافت طبع یاد شده است به نقل از دولت شاه سمرقندی «وی مردی لطیف طبع و حکیم شیوه بوده است و اصل او از بیرجند قهستان می باشد.» (سمرقندی، ۱۳۱۸: ۲۵۸).

همچنین در تذکره‌های قدیم از او با نام حکیم یاد شده است: «حکیم نزاری قهستانی از جرگه حکما و زمرة قدماست اگر چه درسلک متوسطین افتاده، وی به غایت عالی همت، والا همت، درست طبیعت، نیکو قریحت و محقق بوده است.» (اوحدی، ۱۳۸۹: ۴۳۳).

اوحدی سبب تخلّص وی را به نزاری، لاغری و ضعفی وی یا انتساب او به نزار مستنصر بن اسماعیل می‌داند. (همان: ۴۳۳). اما دکتر ذبیح الله صفا با رد هر دو نظریه، نزاری را لقب خاندانی شاعر می‌داند. (صفا، ۱۳۵۱: ۷۳۴).

ظاهراً نزاری بر مذهب اسماعیلی بوده است و بدون تردید یکی از دلایل بی توجهی به او و آثارش مذهب اوست تا جایی که حتی در زادگاهش، بیرجند نیز با وجود آثار فراوان و گران قدر تا همین اواخر گمنام مانده است و در بسیاری از ابیاتش به مذهبش اشاره کرده است از جمله:

ساکنانی که قدم در ره مقصد زده اند	دست در دامن اولاد محمد زده اند
ساکن خطه ی خاک اند ولی از ره قدر	خیمه بر طارم این سقف زمرّد زده اند
در نظرشان نرود دنیی و عقبی جز دوست	گر همه عهد برین عزم موکّد زده اند
گر سر کثرت اشغال ندارند رواست	باده در مجلس عشاق مجرّد زده اند
بانگ وحدت چو نزاری به جهان در دادند	وین منادا ز پی ملک مخلص زده اند

(نزاری، ۱۳۷۱: ۱۱۲۵)

او در جوانی ادبیات و علوم متدوال را فراگرفت و هم در جوانی به خدمات دیوانی پرداخت پس از چندی به همراه یکی از دوستانش به اصفهان، تبریز، اراک، گرجستان، ارمنستان، اردبیل و ابهر سفر کرد، پس از دو سال به قهستان بازگشت، ازدواج کرد و صاحب سه پسر شد، حکیم سال‌های پایانی زندگی اش را در انزوا به سر برد و در سال ۷۲۰ یا ۷۲۱ هجری وفات کرد و در بیرجند به خاک سپرده شد. آثار مهم حکیم نزاری عبارتند از: دیوان نزاری، سفرنامه، ادب‌نامه، ماجرای شب و روز، مثنوی ازهر و مزهر، دستورنامه که مشهورترین مثنوی نزاری است. در ضمن از آقای دکتر محمد بهنام فر به دلیل پیشنهاد انجام این کار و راهنمایی‌ها و ارشاداتشان در این راستا کمال تشکر را دارم.

۲. بیان مسأله

یکی از شاخص‌های برجسته فرهنگ و پیشینه یک ملت، آثار مکتوب آن ملت است همان‌طور که در ادامه اشاره خواهد شد نزاری قهستانی از بزرگان ادب ایرانی است که به دلایلی مورد بی مهری قرار گرفته است و آن‌طور که شایسته و بایسته است جز در همین چند دهه اخیر مورد توجه نبوده است، این جانب به عنوان یک بیرجندی و تحصیل کرده رشته زبان و ادبیات فارسی بر خود لازم دیدم گامی هر چند کوچک در این راستا بردارم تا شاید اندکی از دینی که در راستای احیای فرهنگ این سرزمین بر گردن بنده است ادا کرده باشم به ویژه که مثنوی ازهر و مزهر نزاری برای اولین بار در سال جاری به همت و کوشش دانشمند فرهنگ دوست بیرجندی آقای دکتر محمود رفیعی به چاپ رسیده است و تا جایی که من اطلاع دارم هنوز کاری بر روی این اثر گران قدر انجام نگرفته است.

۳. روش تحقیق

روش کار در این مقاله به صورت کتاب‌خانه‌ای، توصیفی-تحلیلی و مقایسه‌ای بوده است ابتدا منابع مرتبط با موضوع را شناسایی نموده سپس به فیش برداری و یادداشت برداری پرداخته ام پس از فیش برداری، با توجه به فصول مقاله و مطابق با طرح پژوهش، یادداشت‌ها تنظیم گردید و پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، دو منظومه خسرو و شیرین و ازهر و مزهر در چهار مؤلفه و شاخص شامل عناوین، وزن و ساختار، شخصیت‌ها و ماجراها و حوادث بررسی،

تحلیل و مقایسه شد همچنین به وجوه تشابه این اثر با لیلی و مجنون نظامی و خسرو نامه عطار نیز پرداخته شده است و در پایان، نتایج حاصل از این بررسی آمده است.

۴. پیشینه تحقیق

نظامی از شاعران بزرگ و صاحب سبک عرصه ادبیات فارسی در قرن ششم است که همواره مورد توجه شاعران و تذکره نویسان به ویژه در منظومه‌های عاشقانه بوده است. همان طور که می‌دانیم شاعران بسیاری پس از او به خلق آثاری حتی با همان عناوین و نام‌ها پرداخته‌اند که از جمله می‌توان از امیر خسرو دهلوی، خواجوی کرمانی، جامی، هاتفی، قاسمی، وحشی، عرفی شیرازی، مکتبی، فیضی فیاضی، اشرف مراغی، آذر بیگدلی، هلالی جغتایی، مولانا هاشمی کرمانی و مولانا نویدی شیرازی نام برد. در باره نقد و تحلیل آثار نظامی کارهای ارزنده فراوانی انجام شده است. یکی از موضوعاتی که مورد توجه پژوهشگران جدید قرار گرفته است مقایسه، نقد و تحلیل میزان تأثیرپذیری این آثار با منظومه‌های نظامی است که نمونه‌های آن فراوان است و در این جا به گوشه‌ای از این پژوهش‌ها در باره خسرو و شیرین اشاره می‌شود.

۱- مقاله نقد تطبیقی ساختار روایی خسرو و شیرین نظامی و مثنوی پدومات (سام خانیانی، محمدی و نظری: ۱۳۹۰). مثنوی پدماوت عبدالشکور یک اثر هندی است که با خسرو و شیرین نظامی مقایسه شده است بر اساس این پژوهش هر دو اثر تحت تأثیر حوادث و شخصیت‌های تاریخی هستند اما روایت نظامی به داستان و روایت هندی به تاریخ شبیه تر است. از نظر زاویه دید، روای داستان نظامی دانای کل مطلق و روای منظومه هندی دانای کل خنثی است. در انتقال زمانی و مکانی روایت دو منظومه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد. توصیف مناظر طبیعی، مراسم رزم و بزم، و اشخاص در اشکال مختلف در هر دو منظومه نقش مهمی در واقع نمایی دارد.

۲- مقاله بررسی جنبه‌های تاریخی دو منظومه غنایی خسرو و شیرین نظامی و شیرین و خسرو امیر خسرو دهلوی (سوسن یزدانی، مسعود روحانی و عبدالجبار رحمان اف: ۱۳۹۰). نویسنده در این مقاله نتیجه می‌گیرد که امیرخسرو، بیش از نظامی، به الگوی تاریخی پایبند بوده است. هر چند امیر خسرو هرگز نتوانست به پای نظامی برسد، اما توانسته است، با روی آوردن به الگوی تاریخی و تغییراتی جزئی اما هنرمندانه در بخش‌های افسانه‌ای و تاریخی، نسبت به دیگر نظیره پردازان خسرو و شیرین نوآوری کند.

۳- مقاله مقایسه داستان خسرو و شیرین فردوسی با نظامی (ابراهیم اقبالی: ۱۳۸۳). در این مقاله نویسنده به مقایسه خسرو و شیرین در دو منظومه به صورت تطبیقی می‌پردازد. ابتدا خلاصه‌ای از دو منظومه؛ یعنی شاهنامه و خسرو و شیرین نظامی را می‌آورد تا چهارچوب و طرح کلی داستان روشن شود سپس دو صورت این داستان را با تاریخ طبری مقایسه می‌کند تا مشخص نماید کدام یک از سراینده‌گان به روایات تاریخی پایبندتر بوده‌اند و مواردی را ذکر می‌نماید که در شاهنامه یا خسرو و شیرین یا هر دو ذکر شده بود.

۴- مقاله خسرو و شیرین قاسمی گنابادی و مقایسه آن با خسرو و شیرین نظامی (حمیدرضا قانونی، مجید امینی: ۱۳۹۵). نویسنده در این نوشتار به معرفی قاسمی و آثار او، به ویژه منظومه خسرو و شیرین پرداخته است سپس به صورت تطبیقی منظومه‌های خسرو و شیرین وی و خسرو و شیرین نظامی را مقایسه می‌کند و بر اساس مقایسه محتوایی و ساختاری - زبانی، دیدگاه شیعی شاعر، دیدگاه وی نسبت به عشق، سخن و ویژگی‌های داستانی و هنری اشعار او، تصویرسازی‌ها، دایره واژگانی برجسته‌ترین شاخص‌های شعر قاسمی است.

۵- مقاله مقایسه خسرو و شیرین نظامی با شیرین و فرهاد الماس خان کندوله ای (ژیلا صالحی، سید احمد پارسا: ۱۳۸۷). در این مقاله با مقایسه این اثر با خسرو شیرین نظامی با روایت‌های کردی شیرین و فرهاد الماس خان کندوله ای آشنا می‌شویم و به وجوه تشابه و تفاوت این دو اثر پی می‌بریم.

۶- پایان‌نامه بررسی مقایسه‌ای تصویر و ساختار خسرو و شیرین نظامی با شیرین و خسرو هاتفی (فرزانه رضایی: ۱۳۹۲). در این رساله وجوه تشابه و تمایز این دو منظومه، از نظر کاربرد صورخیال (تشبیه، استعاره و کنایه) و عناصر داستان بررسی شده است، نویسنده نتیجه می‌گیرد که هاتفی در تشبیه مانند نظامی بر روی شخصیت‌های اصلی تاکید کرده است ولی در استعاره و کنایه، نظامی نسبت به هاتفی توفیق بیشتری داشته است. از نظر به کاربرد عناصر داستان، کاربرد عناصری مانند، موضوع، درونمایه، زاویه دید، حقیقت‌مانندی، فضا و تاحدودی شخصیت‌پردازی در آثار دو شاعر مشابه است، اما استفاده از سایر عناصر از جمله طرح، صحنه‌پردازی و گفت‌وگو متفاوت است. همچنین نظامی در کاربرد پیرنگ، عنصر فضاسازی و شخصیت‌پردازی موفق‌تر عمل کرده است.

۷- مقاله مقایسه خسرو و شیرین شهاب ترشیزی با خسرو و شیرین نظامی (حسین آقاحسینی: ۱۳۸۹). نویسنده معتقد است شهاب در مثنوی خسرو و شیرین به دو منظومه نظامی یعنی خسرو و شیرین و هفت پیکر و برخی از منابع دیگر مثل شاهنامه نظر داشته است. و از بررسی این دو اثر نتیجه می‌گیرد که وزن مثنوی شهاب فاعلاتن مفاعلهن یعنی بحر خفیف است و از این جهت به هفت پیکر شبیه است، در شیوه داستان‌پردازی نیز «هفت مجلس» به شیوه هفت پیکر است و بسیاری از داستان‌های فرعی در مثنوی شهاب حذف شده و برخی از شخصیت‌های داستان او نیز با شخصیت‌های هفت پیکر متفاوت است.

۸- مقاله قرابت‌های مضمونی خسرو و شیرین و رومئو و ژولیت (احمد طحان، لیلیا جوادپور: ۱۳۹۰). در این مقاله نویسنده می‌نویسد شاید تنها اثری که می‌تواند با خسرو و شیرین نظامی قابل قیاس باشد، داستان عاشقانه تراژیک «رومئو و ژولیت»، سروده ویلیام شکسپیر، شاعر و نمایشنامه‌نویس بی‌مثال ادبیات انگلیس باشد که سرشار از ظرایف، دقایق ادبی و غنایی است. این نوشتار بر آن است تا با خوانشی مقایسه‌ای، به بررسی محتوا و نحوه پردازش شخصیت‌های دو داستان مذکور بپردازد و شباهت‌های موجود در آن را روشن نماید.

۹- مقاله بررسی شخصیت و شخصیت‌پردازی در دو منظومه خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی گنجوی (محمد نجاتی: ۱۳۹۱). نویسنده در این مقاله عنصر شخصیت و شخصیت‌پردازی در دو اثر معروف نظامی - خسرو و شیرین، لیلی و مجنون - و تاثیر این عنصر در شکل‌گیری هر دو داستان را بررسی می‌کند.

۱۱- مقاله طرح داستانی خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی گنجوی با تاکید بر روایت شرقی (نعمت اله ایران زاده، مرضیه آتشی پور: ۱۳۹۰). در این مقاله نویسنده به تحلیل ساختاری طرح دو منظومه غنایی نظامی یعنی خسرو و شیرین و لیلی و مجنون می‌پردازد، برای الگوی داستانی شرقی، نموداری پیشنهادی کند و نتیجه می‌گیرد که این دو منظومه علی‌رغم تطبیق ساختارشان با ساختار داستان‌های کلاسیک غربی (هرمی شکل)، در واقع ساختار اپیزودیک و متقارن دارند که از مظاهر ساختار شرقی است.

۱۲- مقایسه منظومه مهر و وفا از شعوری کاشی با خسرو و شیرین نظامی (حسین قربان پور آرانی: ۱۳۹۲) در این نوشته، پس از شرح مختصری از احوال و آثار شعوری، مقایسه‌ای تطبیقی میان منظومه مهر و وفا از شعوری کاشی و مثنوی خسرو و شیرین نظامی انجام شده است.

۱۳- پایان‌نامه سیر تحول داستان شیرین و فرهاد در متون نظم بعد از نظامی (نوشین استادمحمدی: ۱۳۸۹). در این پایان‌نامه، منظومه‌های خسرو و شیرین نظامی گنجوی، شیرین و خسرو امیرخسرو دهلوی، فرهاد‌نامه عارف اردبیلی، خسرو و شیرین هاتفی خرجردی، فرهاد و شیرین وحشی بافقی، خسرو و شیرین سلیمی جرونی و خسرو و شیرین شعله‌نیریزی بررسی شده است. هر اثر در مقایسه با نظامی از نظر شیوه داستان‌پردازی، تفاوت‌های داستانی، و شباهت‌ها و تفاوت‌های شخصیت‌های اصلی، صورخیال، گفتگو و... نقد و تحلیل شده است و نقاط ضعف و قوت آن‌ها نسبت به اثر نظامی ارزیابی گردیده است..

هرچند در مورد مثنوی ازهر و مزهر نزاری تاکنون پژوهشی انجام نگرفته است اما در زمینه سایر آثار نزاری به ویژه در همایش ملی نقد و تحلیل زندگی، شعر و اندیشه حکیم نزاری قهستانی، مقالات ارزنده ای ارائه گردیده است که در مجموعه مقالات این همایش به چاپ رسیده است و جهت اختصار به تعدادی از آن ها اشاره می شود.

- ۱- حکیم مدارا و جامعه غوغا (باز شناخت نگرش و روش نزاری و جامعه او) (ابوالقاسم رحیمی: ۱۳۹۳).
- ۲- حکیم نزاری، ژرف اندیشی متفاوت و ملامت شده (مرادعلی واعظی: ۱۳۹۳).
- ۳- حکیم نزاری قهستانی (زندگی، تعلیم، تربیت، شعر، تصوف و مذهب) (نعیمه متوسلی، سید احمد حسینی کازرون: ۱۳۹۳).

۴- حکیم نزاری مداح راح (نازنین احسانی: ۱۳۹۳).

۵- خرد و خردورزی در ادب نامه نزاری قهستانی (حیدر علی دهمرده، سمیرا قاسمی گزیک: ۱۳۹۳).

۶- داستان پردازی در سفرنامه حکیم نزاری قهستانی (جهانگیر صفری، کارمین صراف: ۱۳۹۳).

۷- درنگی بر جلوه های ادب غنایی در سروده های نزاری (صادق جغتایی، کمال رضایی شعبان: ۱۳۹۳).

۸- زبان و فرهنگ عامه در دیوان نزاری (حسین زنگویی: ۱۳۹۳).

۹- زیبا شناسی نام سروده های غزلیات حکیم نزاری (بهارک ولی نیا: ۱۳۹۳).

۱۰- سبک شناسی زبانی اشعار نزاری (محمد امین پورچنگیز: ۱۳۹۳).

۱۱- تصویرهای شاعرانه در غزلیات حکیم نزاری قهستانی (رحیم سلامت آذر: ۱۳۹۱).

۱۲- سبک شناسی فکری غزل های نزاری قهستانی (محمد امیر مشهدی، ناصر زینلی: ۱۳۹۳).

۱۳- سیمای اهل بیت در دیوان نزاری قهستانی (محمد آهی، احمد زمانی کسبی: ۱۳۹۳).

۱۴- سیمای معشوق در غزلیات نزاری قهستانی (علی اکبر سام خانیانی، رعنا شریفی: ۱۳۹۳).

۱۵- عشق از دیدگاه نزاری قهستانی (زهره عباسی: ۱۳۹۳).

همان طور که در بالا ذکر شد مقاله های فراوانی در باره نزاری و سبک و آثار او به ویژه در همایش ملی نقد و تحلیل زندگی، شعر و اندیشه حکیم نزاری قهستانی ارائه شده است که قابل تقدیر و ستایش است اما مثنوی ازهر و مزهر در زمان برگزاری این همایش هنوز به چاپ نرسیده بود و برای اولین بار در سال ۱۳۹۴ چاپ و منتشر شد و تا جایی که من اطلاع دارم هنوز هم پژوهشی بر روی این مثنوی انجام نگرفته است بنابراین موضوع این مقاله از این حیث جدید و تازه است.

۵. منظومه ازهر و مزهر:

داستان ازهر و مزهر ده هزار و ششصد و دوازده بیت دارد که در سال ۷۰۰ هجری در قالب مثنوی و بحر هزج مسدس در مدتی کمتر از یک سال منظوم شده است.

مورخ می کنم این نظم از آغاز که آخر کی از او پرداختم باز

به سال هفتصد از وقت هجرت درود ما بر احمد باد و عترت

(نزاری، ۱۳۹۴: ۵۱۴).

مشوق نزاری در نظم داستان، دانشمندی از دوستانش است که از او نامی نبرده وی می گوید :

بزرگی خورده بین یک روز جایی سوالی کسرد دو در ماجرای

به من گفت ای نزاری در چه کاری چرا اوقات ضایع می گذاری...

کتاب ازهر و مزهر غریب است در او بس داستان های عجیب است

اگر این قصه از سر بازخوانی عجب در قصه ایشان بمانی

(نزاری، ۱۳۹۴: ۷۱-۷۰).

براساس ابیات، ظاهراً قبل از نزاری حکایت ازهر و مزهر وجود داشته که ناشناخته و غریب بوده است و دوست دانشمندش از وی می خواهد مجدداً آن را بازنویسی کند، نزاری درخواست او را نمی پذیرد مدتی سپری می شود تا این که به دلیلی تصمیم می گیرد این کار را انجام دهد و می گوید:

شبی ناگه در آمد ازسـروشم حدیث ازهر و مزهر به گوشم
به من گفت از وفاداران سخن گوی اگر از نو نداری ازکهن گوی...
چو وحی آمد به من تسلیم کردم به ترک طالع و تقویم کردم
(نزاری، ۱۳۹۴: ۷۲).

می توان گفت شاعر با آوردن ابیات فوق در سرآغاز سخن، انگیزه اش را در سرودن این مثنوی، نزول الهام و وحی بر دل می داند و به گونه ای به منظومه اش قداست می بخشد.

نزاری در این منظومه ابتدا به ستایش پروردگار می پردازد و سپس در نعت پیامبر اسلام سخن سر می دهد و آن گاه علیشاه و فرزندش تاج الدین محمد، دهقانان و صاحب قلمان را ستایش می کند و پس از آن داستان را آغاز می نماید.

با توجه به این که می دانیم منظومه‌های عاشقانه نظامی در دوره‌های بعد سرمشق بسیاری از مثنوی پردازان عاشقانه قرار گرفته است، در جستار حاضر می خواهیم بدانیم که حکیم نزاری در این مثنوی عاشقانه تا چه اندازه تحت تاثیر خسرو و شیرین نظامی و یا سایر آثار او بوده است هر چند خودش در ابیاتی از این مثنوی، خویش را پیرو عطار از مثنوی خسرونامه می داند و می گوید:

مرا این داستان گر دست برخاست بگویم کز کدامین مست برخاست
تتبع کرده عطـار بودم از آن زین شاخ برخوردار بودم...
ز خسرو نامه بهتر داستان نیست که خسرو نامه او گلستان نیست
(نزاری، ۱۳۹۴: ۵۱۴-۵۱۳).

در باره خسرونامه و انتساب آن به عطار نظریات ضد و نقیضی ارائه شده است؛ استاد نفیسی سال ها پیش، این منظومه را به عطار نسبت داده است. مجتبی مینوی نیز این داستان را بازنویسی کرده و با نام عطار در مجله سخن به چاپ رسانده است. اکبر نحوی می گوید: « از جمله آثار فراوانی که به نادرست به عطار نیشابوری نسبت داده اند، یکی هم منظومه عاشقانه گل و هرمز معروف به خسرونامه است. در چند دهه اخیر پس از تحقیقات دکتر شفیع کدکنی معلوم گردیده است که این منظومه بی گمان از عطار نیشابوری نیست. اما هنوز هویت گوینده آن شناخته نشده است.» (نحوی، ۱۳۸۹: ۷۵).

خسرونامه یا داستان هرمز و گلرخ اثری است در قالب مثنوی و داستان گونه و پرماجرا در بیان رموز اسرار عرفانی و روحانی که همچون ازهر و مزهر در بحر هزج مسدس محذوف سروده شده است. در این داستان قیصر روم که سالها در آرزوی داشتن فرزندی است از یکی از کنیزکانش صاحب پسری می شود اما پسر و دایه اش بر اثر کینه و حسد همسر قیصر، آواره می شوند و طی حوادثی در قصر پادشاه خوزستان سکنی می گزینند. شاعر در این منظومه نیز همچون نزاری در ازهر و مزهر می گوید که دوستی از وی خواسته است این منظومه را بسراید.

در تمامی انواع ادبی، آثار بزرگ و برجسته ای پای به عرصه ادبیات می گذارند که همواره می درخشند. در ادبیات فارسی شاید هیچ شاعری به اندازه نظامی تاثیر گذار نبوده است، شیوهی نظامی در داستانهای عاشقانه، بدیع و منحصر به فرد است و همان طور که می دانیم بسیاری از شاعران و بزرگان ادبیات فارسی به آثار او توجه ویژه داشته اند. می توان گفت که بخش بزرگی از ادبیات منظوم فارسی، تقلید از آثار نظامی است و بدون تردید حکیم نزاری به عنوان شاعری که کمتر از دو قرن پس از او در عرصه ادبیات حضور می یابد از این قافله جدا نیست زیرا

در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم بیشترین تقلیدها را از آثار نظامی داشته ایم و مسلماً نزاری از این تاثیر بی بهره نبوده است.

همان طور که در مقدمه نیز گفته شد ما می خواهیم این اثر را با خسرو و شیرین نظامی بسنجیم و به نقاط مشترک و متفاوت این دو اثر در مؤلفه‌های گوناگون پردازیم. از جمله شاخص‌های مورد بررسی:

۱- بررسی عناوین دو مجموعه و ریشه یابی عنوان‌ها و خود داستان.

۲- بررسی وزن و ساختار دو منظومه.

۳- بررسی شخصیت‌ها و قهرمانان اصلی دو داستان و مقایسه آن‌ها.

۴- بررسی ماجراها و حوادث داستان در دو منظومه.

الف) عناوین دو منظومه و ریشه یابی عنوان‌ها و خود داستان:

ابتدا عناوین این دو اثر را ریشه یابی و معنا می کنیم نزاری در وجه تسمیه ازهر می گوید:
به فال مشتتری مادر بزادش به رشک زهره نام ازهر نهادش
(نزاری، ۱۳۹۴: ۷۴).

ازهر: (أه) [ع. ۱] - (ص تف.) روشن تر. ۲ - (ص.) روشن، درخشان. ۳ - (ا.) ماه. ۴ - سفید رنگ. (معین)

همین تا دایه کنج کام کردش پدر فرزانه مزهر نام کردش

(نزاری، ۱۳۹۴: ۷۳).

مزهر: [م ه] [ع ا] بربط. عود. ج، مزاهر. (اقرب الموارد) (دهار) (مهذب الاسماء) (یواقیت). بربط. گران. (السامی). چوبی که بدان میزنند و می نوازند. (متهی الارب) (آندراج). آلتی که می نوازند آن را. (ناظم الاطباء). قسمی از آلات موسیقی. ج، مزاهر. (زمخشری) || دف بزرگ. (دهخدا)
درذیل خسرو و شیرین نیز در فرهنگ معین چنین آمده است:
خسرو (خ) [په. ۱] (ا.) ۱ - پادشاه بزرگ. ۲ - پادشاه. شیر (معین)
شیر [په. ۱] (ا.) مایعی سفید رنگ و مغذی با طعم شیرین که از پستان‌های پستانداران ماده پس از زایمان ترشح می شود. شیرین منسوب به شیر (معین، ۱۳۶۳)

با توجه به توضیحات فوق واژه‌های خسرو و شیرین هر دو از واژه‌های زبان پهلوی است و همان طور که می دانیم این داستان ریشه در ادبیات ایران باستان دارد، از جمله داستان‌های اواخر دوره ساسانی است و در زمان هرمز و خسرو پرویز اتفاق می افتد در حالی که ازهر و مزهر واژه‌هایی عربی هستند و داستان، آن گونه که روایت شده است در میان قبیله بنی اوس از قبایل عرب اتفاق می افتد دهخدا ذیل اوس می نویسد:

« اوس. [ا] (اخ) ابن حارثه بن ثعلبه بن عمرو مزیقیا بن عامر ماء السمان حارثه الغطریف بن عمرو القیس البطریق بن ثعلبه بن مازن بن ازد. نام قبیله ای است بزرگ از قبایل قحطانی. اوسی ها خود را بنی حارثه نمی گفتند بلکه خود را به قبیله که مادر آن هاست منسوب می کردند و بنی قبیله می نامیدند. در تاریخ اسلام غالباً نام این قبیله و قبیله خزرج که با یکدیگر مناسبات و معارضاتی داشته اند با هم می آید و گاهی هر دو قبیله را به نام خزرج ذکر کرده اند. موطن اصلی این قبیله یمن بوده و سپس به مدینه هجرت کرده است.» (دهخدا، ۱۳۷۲).

نزاری می گوید:

سری، گردن کشی، صاحب کلاهی که در ملک عرب بوده است گاهی

فلک رفعت، ملک سیرت، رحیمی قوی همت، بلند اختر، کریمی

گران از بار جسودش پشت ایام سر اعراب سیسد مقتحم نام

به احسان برده دست از اهل ناموس به گوهر فخر سادات بنی اوس

(نزاری، ۱۳۹۴: ۷۳).

با توجه به مطالب بالا عناوین دو داستان از دو زبان متفاوت انتخاب شده است و مکان رخداد‌های داستان نیز با عناوین همخوانی دارد؛ یعنی در دو مکان با فرهنگ و آداب و رسوم متفاوت اتفاق می‌افتد بنابر این در بررسی این شاخص، نقطه مشترکی بین دو منظومه دیده نمی‌شود.

داستان ازهر و مزهر منظومه ای غنایی - حماسی است که هیچ ردپایی از تاریخ در آن یافت نمی‌شود حتی شاید بهتر باشد این داستان را حماسی - غنایی بدانیم؛ زیرا در جای جای آن جنگ‌ها و صحنه‌های مبارزه ای به تصویر کشیده شده است که بر رنگ حماسی آن می‌افزاید و آن را برجسته تر می‌کند. این داستان ریشه عربی دارد و به جز یکی دو نام، نام تمامی شخصیت‌ها نیز عربی است در حالی که منظومه خسرو و شیرین، داستانی کاملاً ایرانی و غنایی - تاریخی است که ریشه در فرهنگ ایران باستان دارد و آمیزه ای است از تاریخ و افسانه و از این جهت که بازتاب فرهنگ ایرانی است برای ما جایگاه ویژه ای دارد.

ب) بررسی وزن و ساختار دو منظومه:

داستان ازهر و مزهر ده هزار و ششصد و دوازده بیت دارد که در سال ۷۰۰ هجری در قالب مثنوی و بحر هزج مسدس در مدتی کمتر از یک سال منظوم شده است. نزاری در این منظومه ابتدا به ستایش پروردگار می‌پردازد و پس از آن ابیاتی با عنوان "در نظم کتاب" و "در توکل" می‌سراید سپس در نعت پیامبر اسلام سخن سر می‌دهد و آن‌گاه به مدح علی‌شاه و فرزندش تاج‌الدین محمد و دهقانان و صاحب قلمان می‌پردازد و پس از آن ابیاتی در سبب تالیف کتاب می‌گوید سپس داستان را آغاز می‌نماید. جا به جای داستان، قصه‌های مستقلی جهت تمثیل و پند و اندرز، چاشنی بخش کتاب است و در پایان در ابیاتی با عنوان ذکر اتصالات کواکب هنگام الهام الهی درباره تاریخ نظم کتاب و مدت زمان سپری شده می‌گوید:

مورخ می‌کنم این نظم از آغاز	که آخر کی از او پرداختم باز
به سال هفتصد از وقت هجرت	درود ما بر احمد باد و عترت
کم از یک سال در وی رنج بردم	نه آخر بر سر این گنج بردم

(نزاری، ۱۳۹۴: ۵۱۴).

و دوباره در پایان منظومه نیز چون آغاز آن، از ندای درونی فرشته غیب در شبی سخن می‌گوید که در گوشش دمیده شده و انگیزه سرایش این مثنوی گشته است.

در آن شب چون ندا آمد به گوشم	که شد مشغول این منظومه هوشم
گرفتم در قلم آن شب که کی بود	نـزول هاتف فرخنده پی بود

(نزاری، ۱۳۹۴: ۵۱۴).

شاعر این منظومه را همچون سایر منظومه‌ها با مناجات به پایان می‌رساند و انگیزه اش را از سرودن این مثنوی چنین بیان می‌نماید:

غرض از آفرینش مهر و کین است	غرض مقصود من زین قصه این است
که از کین هلیل و مهر ازهر	بهبانه کرده در ره عشق ازهر
به عالم دردهم آوازه نو	دری سازم بر این دروازه نو

(نزاری، ۱۳۹۴: ۸۷).

مثنوی خسرو و شیرین دومین منظومه از خمسه یا پنج گنج نظامی است که در سال ۵۷۶ به پایان رسیده، تعداد ابیات آن ۶۵۰۰ است که در بحر « هزج مسدس مقصور محذوف » سروده شده است. نزاری در آغاز به ستایش خداوند می‌پردازد سپس در ابیاتی از خداوند طلب آمرزش می‌کند و آن‌گاه ابیاتی را در نعت رسول اکرم می‌سراید پس از آن ابیاتی را به سابقه نظم کتاب اختصاص می‌دهد پس به ستایش اتابک شمس‌الدین محمد ایلدگز و قزل

ارسالان ایلدگر می پردازد، سخنی چند در عشق و در نکوهش حسودان می گوید و در پایان نیز فصلی را به اندرز و ختم کتاب اختصاص می دهد و با ابیاتی در تاسف بر مرگ شمس الدین محمد جهان پهلوان، کتاب خاتمه می یابد. براساس آن چه گفته شد می توان نتیجه گرفت مثنوی ازهر و مزهر بعد از گذشت صد و بیست و چهار سال از نظم خسرو و شیرین سروده شده است. اشتراک وزن و انتخاب قالب مثنوی در دو منظومه ازدلایل توجه نزاری به خسرو و شیرین است.

پ) شخصیت ها و قهرمانان اصلی دو داستان و مقایسه آن ها :

شخصیت پردازی یکی برجسته ترین هنرهای داستان پردازی و از عناصر شش گانه داستان است، چرا که شخصیت ها بازتاب باورها و اعتقادات نویسنده نسبت به محیط پیرامون است میرصادقی می گوید: «شخصیت ها؛ اشخاص ساخته شده (مخلوقی) هستند که در داستان، نمایشنامه و... ظاهر می شوند. کیفیت روانی و اخلاقی آن ها نیز در عمل و آن چه می گویند و می کنند وجود دارد.» (میرصادقی، ۱۳۹۲: ۷۷).

در جایی دیگر می گوید: «بازیگر داستان را شخصیت می گویند.» (همان: ۷۵).

دراهمیت شخصیت گفته شده است: «عامل شخصیت، محوری است که تمامیت قصه بر مدار آن می چرخد. کلیه عوامل دیگر، عینیت، کمال، معنا و مفهوم و حتی علت وجودی خود را از شخصیت کسب می کنند.» (براهنی، ۱۳۶۸: ۵۹).

در بسیاری از مواقع می توان بر اساس شخصیت های داستان به شخصیت نویسنده پی برد و در واقع شخصیت اصلی داستان، بازتابی از شخصیت، بینش و نگرش نویسنده است که در اثرش تجلی می یابد.

گوستا فلور می گوید: «من همواره مراقب بودم تا شخصیت خود را به داستان هایم راه ندهم. اما وقتی به آثارم نگاه می کنم می بینم از خودم بسیار گفته ام.» (یونسی، ۱۳۸۸: ۲۸۸).

شخصیت ها و حوادث در هم گره می خورد و داستان را می سازد. هنری جیمز در تعریف شخصیت با زبانی بسیار ساده می گوید: «شخصیت چیست؟ مگر شرح وقایع. واقعه چیست؟ مگر نمایش شخصیت!» (مستور، ۱۳۷۹: ۱۲۳).

دراین جا ابتدا به بررسی شخصیت های منظومه ازهر و مزهر می پردازیم و سپس آن را از این بعد با منظومه خسرو و شیرین می سنجیم. شخصیت های اصلی در این منظومه ازهر، مزهر و هلیل هستند اصبع، صفوان، اصفر، صفیه، یاسر، مفتاح، میمون ارقم، ربیع بن زهیر، باس، سهلان، سهاب، مهاب، ملک یمن داوود بن ماهان، صحیح، نصر، سنان، سعید خزاعی، مالک، مسر، سلم و همایون شخصیت های فرعی این منظومه اند. جزیکی دو نام تمامی اسامی به کار رفته شده در این منظومه عربی هستند. بر اساس داستان، ازهر و مزهر، هر دو مظهر عشق، دلدادگی و وفاداریند هر دو قهرمانانی هستند که در میدان نبرد شجاعانه علیه ظلم و بیداد مبارزه می کنند تا عدالت را برپای دارند حتی نزاری در باره شجاعت ازهر در پوشش یک زن اما با رفتاری از سرشجاعت و مردانگی می گوید:

به مردی از زنی گر باز گویند روا باشد کز ازهر باز گویند

(نزاری، ۱۳۹۴: ۷۲).

این دیدگاه را نسبت به زنان شجاعی که فقط اسم زن دارند اما مردان واقعی هستند در ابیاتی از سفرنامه اش چنین به تصویر می کشد:

مردی آن زن مرا مدهوش کرد آتش غیرت دلم پر جوش کرد
پاره سنگ از دل بیسرد به
زن که او مرد آمد از نامرد به
مرد را در سوز نارد درد خام
زن شرف دارد بسی بر مرد خام
زن به مردی کار شیر نر کند
آتشی باید که دودی بر کند

(نزاری، ۱۳۹۰: ۱۳).

اما در خسرو و شیرین هرچند شیرین پایبند عشق است اما خسرو این عشق را آن طور که از عاشق انتظار می رود پاس نمی‌دارد و دل به مریم و شکر می‌بندد.

در این منظومه رابطه عاشقانه ازهر و مزهر یک رابطه شرعی است ازهر از دو هفتگی برای مزهر انتخاب و نامزد شده است اما نزاری قبل از جاری شدن عقد از هیچ گونه رابطه ای بین آن‌ها سخن نمی‌گوید و این ناشی از تقید شاعر بر رعایت موازین شرعی و اسلامی در داستانی است که مربوط به ایران بعد از اسلام است.

هنوزش غنچه گل ناشکفته	مه نو نامزد شد در دو هفته
به نام مزهرش نیلی کشیدند	بر آن تمثال تمثیلی کشیدند
به پیمان دست دادند از سر عهد	عروس مزهرش خواندند در مهد

(نزاری، ۱۳۹۴: ۷۴).

وقتی ازهر به سن بلوغ می‌رسد و درکمال زیبایی است:

مشام جان مزهر زان خبر یافت	وزان نشو و نما جانی دگر یافت
چو بلبل فتنه آن گلستان شد	به جان آشفته آن دلستان شد

(نزاری، ۱۳۹۴: ۷۵).

سپس نزاری در همان ابیات آغازین منظومه اش برای جلوگیری از هر گونه انحراف، صیغه عقد را بین دو دل‌داده جاری می‌کند و می‌گوید:

پدر کاشفته مزهرا چنان دید	صواب از رای روشن دیده آن دید
که در عقد آورد آن ماه را زود	بگیرد بلا آن راه را زود

(نزاری، ۱۳۹۴: ۷۵).

و پس از چند بیت می‌گوید:

برآیین عرب بستند عقدش	ولی بر نسیه بنهادند نقدش
-----------------------	--------------------------

(نزاری، ۱۳۹۴: ۷۶).

اما همان گونه که دیدیم با وجود پیمان نامزدی میان آن دو، پیش از ازدواج رسمی، هیچ گونه رابطه غیر شرعی در میان آنان نیست، این داستان، فراز و فرودهای زیبا و عاشقانه خسرو و شیرین را ندارد، از دغدغه‌های عاشق و معشوق آن طور که باید در آن خبری نیست و ناز و غمزه، قهر و آشتی که از لوازم داستان‌های عاشقانه است در آن دیده نمی‌شود و به همین دلیل آن گونه که از داستان‌های عاشقانه انتظار می‌رود لطیف نیست به ویژه که پر از صحنه‌های جنگ و مبارزه است در حالی که در خسرو و شیرین این دغدغه‌ها و دلهره‌های عاشقانه، این قهرها و آشتی‌ها، نازها و غمزه‌ها است که حوادث را رقم می‌زند و خواننده را غرق داستان می‌کند.

رابطه خسرو و شیرین از دیدگاه ایران امروز شرعی نیست اما دلیل آن را باید در جایی دیگر جست، در جای و زمانی که داستان اتفاق می‌افتد، در ایران زمان ساسانی با دین، باورها و اعتقادات خاص خود. سعیدی سیرجانی می‌نویسد: «اما در دیار شیرین منعی بر مصاحبت و معاشرت مرد و زن نیست، پسران و دختران با هم می‌نشینند و با هم به گردش و شکار می‌روند و با هم در جشن‌ها و میهمانی‌ها شرکت می‌کنند و عجا که در عین آزادی معاشرت، شخصیت دختران، پاسدار عفاف ایشان است که به جای ترس از پدر و بیم بدگویان، محتسبی در درون خود دارند و حرمتی برای خویشتن قائلند.» (سعیدی سیرجانی، ۱۳۷۶: ۱۲-۱۳).

در داستان ازهر و مزهر دو قهرمان اصلی مظهر عقل، خرد، صداقت و راستی اند و در داستان پا به پای هم پیش می‌روند، نزاری نیز در جاهایی از این منظومه به این ویژگی‌ها اشاره مستقیم می‌نماید:

نزاری راستی و برادباری	اگر با راستکاران می‌سپاری
اگر از راستکاران راست جویی	جز از مزهر مگو تا راست گویی

(نزاری، ۱۳۹۴: ۸۷).

حسینی در باره شخصیت شیرین در خسرو و شیرین می نویسد: «در داستان خسرو و شیرین، شیرین نمونه خردمندی است و از این جهت از خسرو برتر است.» (حسینی، ۱۳۸۷: ۷۸).

بر اساس حوادثی که رخ می دهد شیرین نیز چون خسرو گاه عقل را به کنار می نهد و تسلیم عشق و احساس می شود هرچند این، لازمه عشق است و به قول معروف «پای استدالیون چوبین بود». شیرین، قهرمان و اصلی ترین شخصیت داستان در منظومه نظامی است و بر همین مبنا بیشترین توصیفات چه در بعد جسمانی و چه در بعد اخلاقی از شیرین است و تمامی توجه مخاطب معطوف به سرانجام این عشق است.

در منظومه نظامی خسرو پادشاهی است زیبا رو، کنجکاو، دانا و پهلوان اما هوسباز که چون شیرین تسلیم خواسته هایش نمی شود در حق او جفاها می کند و با مریم و شکر عشق می بازد اما در درون، دلباخته شیرین است. برخی از شخصیت های فرعی در این منظومه، تاریخی و برخی زاییده تخیل شاعرند از جمله هرمز، بهرام چوبین، باربد، نکیسا، مریم، شیرویه و شبدیز تاریخی هستند و مهین بانو، شکر اصفهانی، بزرگ امید، ندیمه ها و گلگون (اسب) در تاریخ جایگاهی ندارند.

در روایت خسرو و شیرین می توان دریافت که آن چه از نظر داستان پردازان ارزش به حساب می آمده، آزادگی شخصیت زن داستان و قاطعیت او در عمل بوده است. شیرین با دیدن تصویر خسرو و شنیدن حکایت دلباختگی وی نسبت به خودش، بدون آن که به مهین بانو چیزی بگوید در اندیشه رفتن به مداین است پس به سمت مداین اسب می تازاند و بر تصمیمش جامه عمل می پوشاند. در جاهای دیگر این داستان نیز این شیرین است که تصمیم می گیرد چه باید بکند و شخصیتی مستقل دارد.

اما در ازهر و مزهر این برادران هستند که به رغم مخالفت ازهر، برای آینده اش تصمیم می گیرند و بدون این که به او بگویند قرار ازدواجش را با هلیل می گذارند هر چند ازهر تسلیم نمی شود. در لیلی و مجنون نظامی که همچون ازهر و مزهر داستانی با ریشه عربی است نیز پابندی شخصیت زن داستان یعنی لیلی به آداب و رسوم اجتماعی و تبعیت او از فرمان پدر یا شوهر کاملاً برجسته است و در واقع باید گفت همین عامل، رقم زننده باقی حوادث داستان است این نکته بیانگر تفاوت فرهنگی جوامعی است که خاستگاه اولیه دو روایت بوده اند.

وفای به عهد و پیمان از شاخص های مهم منظومه های عاشقانه است در منظومه حکیم نزاری مزهر و ازهر تا پایان به عشق یکدیگر وفادارند و پای هیچ کسی در زندگی شان باز نمی شود شاعر می گوید:

سزد گر تا بود گردون گردان / وفا از مزهر آموزند مردان

(نزاری، ۱۳۹۴: ۷۲).

در حالی که در خسرو و شیرین حضور مریم و شکر و ماجراهای خسرو با این دو، وفای به عهد خسرو را زیر سوال می برد و خواننده را در پذیرش شخصیت خسرو به عنوان یک عاشق راستین و وفادار دچار شک و تردید می نماید.

هلیل نیز از شخصیت های اصلی داستان است و رقیب مزهر اما ناجوانمرد، بی رحم، بدسیرت، بدخو و جنگ طلب. برعکس فرهاد- رقیب خسرو- عاشقی پاک باخته و راستین است که در راه عشق معشوق از هیچ چیز فروگذار نمی کند. در مقابل هلیل در ازهر و مزهر، این فرهاد است که در خسرو و شیرین قد علم کرده است اما نه ناجوانمرد، بی رحم و جنگ طلب بلکه در پوشش عاشقی راستین که حاضر است در این راه از هر آن چه دارد حتی از جانش بگذرد تا به وصال دست یابد و آن گاه که برای از میدان به در کردنش خبر مرگ معشوق را برایش می آورند زننده بودنش را بدون محبوب بیهوده می بیند و به زندگی اش خاتمه می دهد. تنوع شخصیت در هر دو منظومه به دلیل حوادث و ماجراهای گوناگون فراوان است.

ت) بررسی ماجراها و حوادث داستان در دو منظومه :

این حوادث و ماجراها هستند که طرح و پیرنگ اصلی داستان را می سازند و به آن جهت می دهند. در این

دومنظومه نیزحوادث و ماجراهایی روی می دهد که منشا و زیربنای آن، عشق است و سایر حوادث و وقایع در این راستا اتفاق می افتد. نزاری در ازهر و مزهر می گوید:

به بال عشق شد احمد به معراج	محقق خود به شرحی نیست محتاج
مگر عشقش براق خوش نشین شد	از آن عیسی به چرخ چارمین شد
مرا هم عشق مزهر رهنمون است	ببین کاین سیل چون از پل برون است
چراغ عاشقان را زنده کردم	روان مزهر افروزنده کردم

(نزاری، ۱۳۹۴: ۵۱۲).

در جایی دیگر ازدو دلداه ای سخن می گوید که گوی سبقت را در عشق از شیرین و فرهاد ربوده اند.

به دست آورده ام خوش داستانی	زکار افتاده ای با دلستانی
دو هم عهد و دو هم درد و دو همزاد	بسی عاشق تر از شیرین و فرهاد

(نزاری، ۱۳۹۴: ۷۱).

در خسرو و شیرین نیز نظامی عشق را این گونه شرح می دهد:

فلک جز عشق محرابی ندارد	جهان بی خاک عشق آبی ندارد
چو من بی عشق خود را جان ندیدم	دلی بفروختم جانی خریدم
به عشق آفاق را پر دود کردم	خرد را چشم، خواب آلود کردم
کمر بستم به عشق این داستان را	صلای عشق در دادم جهان را

(نظامی، گنجوی، ۱۳۷۶: ۵).

اما رنگ عشق در خسرو و شیرین بسیار برجسته تر و بارز تر است همان طور که قبلا نیز گفته شد شاید بتوان خسرو و شیرین را یک مثنوی غنایی - تاریخی و ازهر و مزهر را مثنوی ای غنایی - حماسی نامید زیرا در خسرو و شیرین درپی رنگ و طرح اصلی داستان، حکایات پراکنده تاریخی وجود دارد که در بسیاری از آثار تاریخی در دوره ساسانیان به آن ها اشاره شده است.

ازجمله همان آغاز داستان، مرگ انوشیروان و برتخت نشستن خسرو، توطئه بهرام چوبین و فرار خسرو پرویز، پایان کار بهرام چوبین، ماجرای گنج بادآورد، پادشاهی شیرویه، مرگ خسرو پرویز... که همه به این منظومه رنگی تاریخی می دهد اما در ازهر و مزهر هیچ کدام از نام ها و حوادث، تاریخی نیستند هر چند با توجه به این که دوران کودکی نزاری همزمان با حمله مغول بوده است و وی شاهد ظلم ها و تجاوزات این قوم وحشی است شاید بتوان گفت نزاری تحت تاثیر این دوران، ازهر و مزهر عدالت جو را به عنوان شخصیت‌های نمادین برمی گزیند تا مطابق آن چه آرزو دارد علیه ظلم و ستم و برقراری عدالت بجنگند و هلیل و ظالمانی چون او را نماد مغولان و ظالم پیشگانی قرار می دهد که از هیچ جنایتی فروگذاری نمی کنند.

منظومه ازهر و مزهر را شاید در درجه اول بیشتر بتوانیم حماسی بنامیم تا غنایی زیرا درجای جای این داستان صحنه‌های جنگ و نبرد به تصویر کشیده شده است، جنگ‌هایی که دو شخصیت اصلی داستان، قهرمانان آن یعنی ازهر و مزهرند، جنگ‌هایی که علیه ظلم و ستم به پا می شود و از رنگ غنایی داستان می کاهد. حماسه چیزی می طلبد که غنا و عشق به دنبال آن نیست به تعبیری دیگر این دو درست در دو نقطه مقابل جای می گیرند، صحنه‌های غنایی سرشار ازعاطفه، احساس و رقیق و لطیف است حال آن که در حماسه، تصاویر سرشار ازخشونت، تنش و درگیری، برجسته می شود و بدون تردید حضور چنین تصاویری در یک داستان عاشقانه چندان عادی و طبیعی نیست و ازبعد غنایی آن می کاهد. ازهمه مهم تر حضور گسترده مردم در این نبرد و همراهی آنان در راستای اهداف منظومه است که به راستی بی سابقه است.

گفته شده است پس از مرگ حسن صباح، جانشینانش به نبرد و مبارزه با تسلط بیگانگان ادامه دادند حتی در راه مقابله با مغولان با سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه در یک سنگر می‌جنگیدند. ولی سر انجام خورشاه- واپسین رهبر اسماعیلیان الموت در سال ۶۵۱ - در برابر هلاکوخان تسلیم شد و چندی پس از آن به دست مغول‌ها کشته شد. مغولان دژها را یکی پس از دیگری گشودند و عده بسیاری از اسماعیلیان را کشتند بنابراین می‌توان گفت با توجه به وحشی‌گری‌ها و جنایات مغولان در باره این گروه، این جنبه از داستان بازتاب انتظاراتی است که شاعر یا هر ایرانی‌ای از هموطنانش دارد اتحاد، همدلی، مبارزه با ظلم و ستم و... انعکاسی از آرزوها و آرمان‌های شاعر است که در قالب این داستان تجلی کرده است. گلدمن در جامعه‌شناسی ادبیات می‌نویسد: «همه دیدگاه‌ها تأثیر زندگی اجتماعی بر آفرینش ادبی را می‌پذیرند.» (گلدمن، جامعه‌شناسی ادبیات، ص ۲۴۹) نزاری در ابیات زیرهمراهی مردم را در کنار مزهر این گونه به تصویر می‌کشد:

سخن از مزهر درویش گویم	چو با خویش آیم از بی خویش گویم
که چون دوران نه بر هنجار می‌رفت	که کار از دست و دست از کار می‌رفت
خروجی کرد و خلقی جمع گشتند	چو پروانه به گسرد شمع گشتند
برو خلقی شد از هر گونه انبوه	چو کوه و او به زیر کوه اندوه

(نزاری، ۱۳۹۴: ۹۵).

در ابیاتی دیگر در باره‌ی حمایت عامه مردم از مزهر چنین می‌گوید.

همه جان‌ها فدای دوست کردند	به عالم در ندای دوست کردند
به حق در کارمزهر ایستادند	سر و فرزند و زن بر باد دادند
به اول روز کان محشر نوشتند	جزاءالمحسنین بر سر نوشتند

(نزاری، ۱۳۹۴: ۱۷۵).

در باره‌ی وجوه مشترک یا تفاوت‌های دو منظومه می‌توان گفت: در هر دو داستان عاشق و معشوق به وصال می‌رسند در ازهر و مزهر داستان با به قدرت رسیدن مزهر و برتخت نشستن او به خوبی و خوشی پایان می‌یابد اما در خسرو و شیرین هرچند دو دل‌داده به وصال می‌رسند اما سرانجام داستان، تراژدی غمناکی است و پایان خوشی ندارد.

هرچند منظومه ازهر و مزهر غنایی است اما رنگ تعلیمی در سراسر آن به چشم می‌خورد شاعر هر جا مجال می‌یابد به پند و اندرز و تعلیم می‌پردازد.

نبات از تربیت‌ها کز صبا یافت	به سعی تربیت نشو و نما یافت
صدف از خس کجا پر در نباشد	اگر بر سر سحابش در نباشد
نهال از برنیارد باغبانش	نباشد قامت و قدی چنانش
همیشه گرد صاحب تربیت پوی	که طوطی را کند هندوسخنگوی

(نزاری، ۱۳۹۴: ۶۸).

در ابیاتی دیگر نیز می‌گوید:

نزاری شرط جان‌کندن بیاموز	دمی بی‌من شو و از من بیاموز
غلط کردم من و ما نیست این جا	مجال اسم و اسما نیست این جا
تویی در راه ما شرک تمامست	تویی تو حرام اندر حرام است

(نزاری، ۱۳۹۴: ۹۵).

از زبان ازهر به هلیل توصیه می‌کند:

ز بد می‌کن به نیکویی تبرا

به حق می‌باش از ناحق مبرا

نباید پادشاهان را ستم کرد
به نام ناسزا خود را علم کرد
رهی باید گرفتن پیش کان راه
به منزلگه برون آرد سر ای شاه
(نزاری، ۱۳۹۴: ۱۰۷).

معمولا پس از مرگ عزیزان به تقدیر روی می آورد و بدین گونه مصیبت زده را پند و دلداری می دهد از جمله پس از وفات پدر ازهر و مزهر می گوید:

مگر هم سر نهی بر حکم تقدیر
بشویی دست جهد از چرک تدبیر
ندارد دور گـردون استقامت
قیامت کن اگر خواهی سلامت
زی پیش خویش هر کاز خویش برخاست
برست از محنت دور کژ و راست
(نزاری، ۱۳۹۴: ۷۷).

در آثار نظامی نیز پند و اندرز جایگاه ویژه ای دارد اما با توجه به فضای حاکم بر داستان‌های غنایی و عاشقانه کمتر به چشم می آید. نزاری آن گاه که سنش از پنجاه می گذرد خویش را نیز پند می دهد:

به صد زاری ز پنجه برگذشتی
هنوز از پنجه شیـران نگشتی
چوماهی هر چه در شست اوفتادی
ز ما بگـذر که از دست اوفتادی....
مده از پای غوطه خوردن از دست
که هر کاسودگی خو کرد شد پست
(نزاری، ۱۳۹۴: ۲۵۴).

همان طور که قبلا نیز گفته شد یکی از اهداف حکیم نزاری در سرودن این منظومه برجسته کردن جلوه‌های داد خواهی و عدالت جویی است و بسیاری از حوادث و وقایع این منظومه در راستای رسیدن به این هدف است منظومه خسرو و شیرین نیز هر چند عاشقانه است اما پیرنگ اغلب حوادثی که در آن روی می دهد پاکدامنی شیرین است که حاضر نیست به خواسته‌های خسرو تن دهد و سرانجام بر اساس اصول اخلاقی به همسری او درمی آید و تحقق این هدف، بسیاری از حوادث داستان را رقم می زند.

ازهر و مزهر از بعضی جهات با اثر دیگر نظامی، لیلی و مجنون مشترکاتی دارد و قابل مقایسه است از جمله عناوین هر دو منظومه یعنی ازهر و مزهر و لیلی و مجنون عربی است خود داستان ها هم در سرزمین عرب و در میان اعراب اتفاق می افتد، همان طور که در ازهر و مزهر جنگ‌های بسیار جهت وصال دو دل‌داده اتفاق می افتد در لیلی و مجنون نیز یکی از دلاوران عرب به نام نوفل با دیدن حال زار مجنون در بیابان، دلش بر حال او می سوزد و قول می دهد او را به وصال لیلی برساند از راه صلح و دوستی وارد می شود اما نتیجه نمی گیرد تنها راه را در جنگیدن با قبیله لیلی می یابد و جنگی بین سپاه نوفل و قبیله لیلی در می گیرد همچنین دو منظومه از جهت فضای فرهنگی حاکم بر دو داستان از جمله باورها، اعتقادات، آداب و رسوم و .. اشتراکاتی دارند.

نتیجه

بر اساس بررسی‌های انجام شده در این جستار می توان گفت نزاری نیز چون سایر شاعران منظومه پرداز عاشقانه هر چند خویش را وامدار عطار و خسرونامه وی می داند اما بر منظومه‌های عاشقانه نظامی کاملا آگاهی داشته است و همان طور که دیدیم به صورتی غیر مستقیم از لیلی و مجنون و خسرو و شیرین به عنوان نمادهایی از عشق یاد می کند اما نمی توان وی را مانند برخی از شاعران منظومه پرداز عاشقانه، کاملا پیرو یک منظومه خاص دانست. داستانی که پیش روی ماست همچون لیلی و مجنون، کاملا عربی با نام‌هایی عربی و در میان قبیله ای از اعراب با آداب و رسومی خاص روی داده است اما وزن، ساختار، حوادث و وقایع و سرانجام داستان یعنی وصال عاشق و معشوق بازتاب تصاویری از خسرو و شیرین است بنابر این می توان نتیجه گرفت کار نزاری در این منظومه با شاعرانی چون امیر خسرو دهلوی، هاتفی و... که نه تنها در محتوا و مضامین بلکه حتی در انتخاب نام منظومه هایشان تقلید صرف

کرده اند متفاوت است. هرچند وی به این منظومه ها نظر داشته است ولی همان طور که دیدیم به طور کلی نمی توان اثرش را پیرو یک منظومه خاص دانست.

منابع و مآخذ :

- اوحدی، تقی الدین محمد؛ *عرفات العاشقین و عرصات العارفین*. تصحیح ذبیح الله صاحبکاری - آمنه فخر احمد با نظارت علی محمد قهرمان. تهران: موسسه نشر میراث مکتو، ۱۳۸۹.
- براهنی، رضا، *قصه نویسی*؛ چاپ چهارم. تهران: نشر البرز، ۱۳۶۸.
- حسینی، مریم؛ *ریشه های زن ستیزی در ادبیات کلاسیک فارسی*، تهران: نشر سرچشمه، ۱۳۸۷.
- دولت شاه سمرقندی؛ *تذکره الشعراء*. چاپ ادوارد براون. لیدن، ۱۳۱۸.
- دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*؛ تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- سعیدی سیرجانی، علی اکبر؛ *سیمای دو زن*. چاپ دوم. تهران: نشر نو، ۱۳۷۶.
- صفا، ذبیح الله؛ *تاریخ ادبیات در ایران*. ج ۳. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۱.
- گلدمن، لوسین؛ *جامعه شناسی ادبیات*. ترجمه محمدجعفر پوینده. چ اول. تهران: هوش و ابتکار، ۱۳۷۱.
- مجوزی، زهرا شکاری. «*بازتاب اجتماعیات در سفرنامه و ادب نامه نزاری قهستانی*». مجموعه مقالات همایش ملی نقد و تحلیل زندگی. شعر و اندیشه حکیم نزاری قهستانی دانشگاه بیرجند. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳.
- مستور، مصطفی؛ *مبانی داستان کوتاه*. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۹.
- معین، محمد؛ *فرهنگ معین*. چاپ ششم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۳.
- میرصادقی، جمال؛ *عناصر داستان*. چاپ هشتم. تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۲.
- نحوی اکبر(). «*خسرونامه از کیست*». جستارهای ادبی (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد)، سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۴۳. ۱۳۸۹.
- نزاری قهستانی، سعدالدین بن شمس الدین؛ *مثنوی ازهر و مزهر*. تهران: نشر هیرمند، ۱۳۹۴.
- -----؛ *دیوان اشعار*. تصحیح مظاهر مصفا. تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۱.
- -----؛ *سفرنامه*. به تصحیح چنگیز غلام علی بایوردی. به اهتمام محمود رفیعی. تهران: هیرمند، ۱۳۹۰.
- نظامی گنجوی، ابو محمد الیاس بن یوسف؛ *خسرو و شیرین*. تصحیح و تعلیقات دکتر برات زنجانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- -----؛ *لیلی و مجنون*، تصحیح بهروز ثروتیان. چ اول. تهران: انتشارات توس، ۱۳۸۸.
- یونسی، ابراهیم؛ *هنر داستان نویسی*. چاپ دهم. تهران: نشر نگاه، ۱۳۸۸.